



پیش به سوی یک اول ماه مه قدرتمند!



زنده باد اول مه روز جهانی طبقه کارگر!

ایجاد اتحادیه سراسری کارگران شد. این اتحادیه در جلسه موسس خود قطعنامه ای به تصویب رساند که در آن گفته شده است، "ضرورت اولیه و همه جانبه شرایط کنونی، آزاد ساختن کارگران این کشور از بردگی سرمایه داری و به تصویب رساندن قانونی است که ۸ ساعت کار به صورت کار عادی روزانه در تمام ایالات متحده آمریکا در آید. ما تاکید میکنیم که نیروی خود را برای رسیدن به این نتیجه شکوهمند بسیج کنیم."

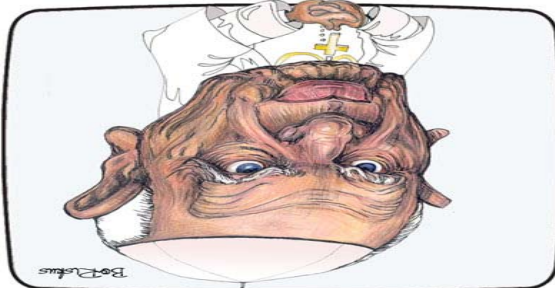


گفتگو با مظفر محمدی

فواد عبداللہی: کمتر از یکماه به اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر نمائنده است. قبل از اینکه وارد بحث در مورد ضرورت برپایی آن شویم لطفا تاریخچه مختصری از این روز و منشا پیدایش آن را برای خوانندگان نشریه توضیح دهید.
مظفر محمدی: کارگران در آمریکا مبارزات طولانی ای برای کاهش ساعات کار داشته اند. که در نتیجه آن در سال ۱۸۶۶ منجر به

آن تلاشهای بیشتر به منظور بهبودی و رهایی طبقه کارگر بی فایده میماند... "کنگره ۸ ساعت کار را حد قانونی روزانه کار پیشنهاد میکند. بعد از آن کارگران آمریکا این را به پلاتفرم مبارزات خویش تبدیل نمودند. در سال ۱۸۸۴ هزار کارگر در سراسر آمریکا درگیر مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه قانونی شدند. اعتصابات وسیع سراسری در شهرهای بایستی از مه سال ۱۸۸۶ اصلی آمریکا یکی پس از دیگری بصورت قانونی در آید." در ماههای آوریل و مه ۱۸۸۶ صدها این جنبش رادیکال ← ۳

پاپ قهرمان چی بود؟!



این مرتجع در آفریقا، روزانه صدها نفر به علت ابتلا به ایدز جان خود را از دست داده اند. کاندوم را به عنوان شیطان معرفی کرد و جشن "کاندوم سوزان" راه انداختند. که در خیال بیمار خود دارند شیطان را میسوزانند. این یک قلم کافی است که پاپ و دستگاه کلیسا را اگر دنیا به این حد وارونه نباشد برای همیشه تخته کرد. پاپ سمبل ارتجاع، زن ستیزی و خرافه اما از طرف میدیای نوکر و دولتمردان صاحب سرمایه به سمبل "آزادیخواهی" به خورد مردم داده میشود و این کالای پوسیده را با عیار ضد کمونیستیش بار دیگر در اذهان زنده کرده اند. پاپ قهرمان بوش و بلر و محافظه کارانی است که روزانه و در اقصی نقاط جهان



(در حاشیه مرگ پاپ) جمال کامران

وقتی انسان به مهندسی افکار و نقش میدیای نوکر در تحولات و در دادن چهره کاذب و دروغین به منادیان جهل و خرافه نگاه میکند. جدای از تاسف برای میلیونها انسان که تحت تاثیر بمباران چنین تبلیغاتی هستند و با توجه به امکانات کمی که جبهه متمدن در اختیار دارد ولی در چنین مواقعی که شاید گوشهای شنوایی برای شنیدن و دانستن نقش مخرب این مرتجعین باز باشد، مراوا داشت چند کلمه در موردش بنویسم. البته این به تنهایی و بدون دسترسی به چشم و گوش مردم کافی نیست. میدیای نوکر هر روز صدها دروغ و کثافت تحویل مردم میدهند. پاپ ژان پل دوم در موارد زیر قهرمان است: منع استفاده زنان از وسایل ضد بار داری، مخالفت با سقط جنین، مخالفت با همجنس گرایی و بارزتر از همه مخالفت شدید با استعمال "کاندوم" بعنوان راه پیشگیری از بارداری و مانع اصلی در جلوگیری از بیماری ایدز.

این چند قلم نا قابل سالانه در کشورهای کاتولیک زده جهان جان هزاران انسان بیگناه را میگیرد. به دستور فرمایشات

علیه مردم بی دفاع جنایت می آفرینند. بی دلیل نیست که بوش پاپ را "انسان آزادیخواه" قلم داد میکند. هرچه باشد پاپ با نفرت کثیف و ضد کمونیستش دیگر در میان ما نیست ولی دستگاه جهل و خرافه شخصیتهای "ضد قهرمانش" را دوباره خواهد ساخت. جا دارد در این روزها که بار دیگر اسم این خرفت در میدیای می چرخد به جنبه های مخرب و غیر انسانی افکار و عقایدش مخصوصا علیه علم و دانش بشری و ایستادگیش در مقابل کمونیستهاست.



ترم آینده باید ترم به هم تنیده شدن فعالین عرصه های مبارزات دانشجویی باشد!

بعد از تعطیلات نوروزی محیط های آموزشی در تمام سطوح مجدداً به روی محصلین باز می شوند. دانشگاه ها دوباره به محل تجمع و تحرک دانشجویان مبدل می گردند. در گفتگو با بهرام مدرسی می خواهیم بیشتر روی دانشگاه ها متمرکز شویم. دانشگاه ها به عنوان محیط روشنفکری، اعتراضات توده ای وسیعتر و محیط پیشتان شناخته می شوند. در ترم آتی دانشجویان با چه معضلات و مسائلی روبرو خواهند شد و چگونه می توانند با آنها برخورد کنند تم اصلی این گفتگو خواهد بود. بخش اول



بهرام مدرسی

مصطفی اسدپور: اجازه دهید از ترم قبل شروع کنیم. فکر می کنید کدام وقایع سیاسی، کدام تحركات و کدام اعتراضات دانشجویی جای پای ماندگار و با ثبات تری در راستای مبارزات دانشجویی در ترم آینده خواهند داشت؟

بهرام مدرسی: در رابطه با ترم گذشته از یک طرف ما شاهد اعتراضات صنفی و اعتراضات اینک دانشجویان را با پرداخت مبلغ زیادی پول بطور مشخص در اصفهان وارد دانشگاه ها می کردند و از طرف دیگر شاهد اعتراضات سیاسی به مراتب وسیعتری در سطح دانشگاه های کشور بودیم. بخصوص با نزدیک شدن مطلق انتخابات رژیم نمونه اعتراضات دانشجویان به جلسه سخنرانی معین در مشهد و اصفهان تماشایی و حائز اهمیت بود. همچنین اعتراضات وسیع دانشجویان در جریان "فستیوال نشریات دانشجویی" که در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. در واقع هر دو نوع اعتراض صنفی و سیاسی را ما ترم گذشته شاهد بودیم. منتها به نظر من کیفیت اعتراضات سیاسی در سطح دانشگاه ها بالا بود. قدم های بسیار بزرگتر و جدی تری نسبت به دوره های

گذشته برداشته است. این اعتراضات سیاسی تر، با اهداف و خواسته ها و شعارهای روشن تری مطرح و شکل گرفته است. و جالب اینکه ترم گذشته شعار "آزادی و برابری" که مطالبه و شعار اصلی دانشجویان در جریان تظاهرات ۱۶ آذر گذشته بود تبدیل به پرچم و پلاکارد و اعتراضات چپ و رادیکال جنبش دانشجویی در سطح کل کشور شد. این مهمترین اتفاق سیاسی بود که در ترم گذشته رخ داد.

اعتراضات صنفی بخشا به کسب موفقیت هایی منجر شد و بخشا هم تعدادی از آنها ناکام ماند. حاکمیت جمهوری اسلامی در واقع هر اعتراض صنفی را هم سیاسی کرده است که ما ترم گذشته شاهد آن بودیم. به هر حال کوتاه و مختصر، ترم گذشته یک ترم سیاسی برای دانشجویان کل کشور بود و من فکر می کنم این روند در روزها و ترم های آینده هم ادامه خواهد داشت.

مصطفی اسدپور: راجع به ترم گذشته مسئله ای که در محیط های دانشجویی مطرح بود این بود که دانشگاه ها بخصوص در دوران تحرک دو خرداد یکی از مراکز پر تیش سیاسی جامعه بودند که با افول دو خرداد گفته می شود که دور سیاسی سابق در دانشگاه ها کند شده است. بنا به برداشت من از گفته های شما، از ترم قبل دوباره دانشجویان دارند صف خود را برای عرض اندام سیاسی جمع و جور می کنند. آیا شما با چنین ارزیابی موافق هستید؟

بهرام مدرسی: با ارزیابی شما موافقم. دوم خرداد از

دانشجویان و اعتراضات وسیعشان بعنوان سکوی پرش خود، بعنوان تحرک عظیمی که توسط آن بتواند پای معامله با جناح مقابل قرار بگیرد، استفاده کرد. و با فشل یافتن، ورافتادن و شکست کل جبهه دو خرداد، طبیعی بود که ما شاهد مقطع معینی از خوابیدن شور و هیجان و دامنه اعتراضات وسیع سیاسی که توسط دانشجویان و رهبران عملی این اعتراضات به بهانه دو خرداد و با استفاده از آن بوجود می آوردند در آن

دانشجویان سالهاست با مسائل صنفی متعددی روبرو هستند.

از سلف سرویس ها بگیر تا محیط خوابگاه ها و ... به نظر شما دانشجویان در ترم آتی چگونه می تواند خواسته های صنفی خود را که در واقع با وجود حاکمیت اسلامی میل به سیاست پیدا می کند، متحقق سازند؟

بهرام مدرسی: اعتراض صنفی در دانشگاه ها با اعتراض صنفی در محیط کار تا اندازه ای متفاوت است. کارگر، کارمند،

اما لازمه همه این کارها در درجه اول، وجود شبکه وسیعی از فعالین و دست اندرکاران و رهبران چپ دانشجویی است که باید در صحنه این اعتراضات حضور داشته باشند.

رهبران و فعالینی که با هم ارتباط داشته باشند، گپ بزنند، طرح و نقشه بکشند و تصمیم بگیرند سر چی اعتراض کنند، از چه خواسته هایی حمایت کنند، اعتراضات دانشگاه ها را به هم بیافند!

دوره باشیم. اما ترم گذشته همانطور که خود شما به آن اشاره کردید، فضای سیاسی دانشگاه ها اینبار توسط دانشجویان چپ و کمونیست عوض شد. از مقطع ۱۶ آذر به بعد پرچم و شعار "آزادی و برابری" مهر خود را بر دوران نوین از مبارزات دانشجویی کوبیده است. الان هر جا که دانشجویان متشکل و جمع شوند و به بنیان های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رژیم "نه" بگویند شعار و پلاکارد "آزادی و برابری" را در دست دارد که همه شاهد این واقعیت در ۱۶ آذر گذشته بودند.

مصطفی اسدپور: اگر موافق باشید در مورد آینده و افق این مبارزات صحبت کنیم. اعتراضات و خواسته های صنفی اینجا مد نظر من است.

اگر برای کیفیت پائین سلف سرویس ها، برای جدائی جنسی در سرویس های رفت و آمد و برای بدی شرایط خوابگاه ها و ... اعتراض می کند، می تواند از تریبون دانشگاه کل جامعه را خطاب قرار دهد و اعتراض و مطالبه خود را به گوش جامعه برساند. قدم هایی که در ترم آینده می توان برداشت این است که باید اعتراضات صنفی را تا جایی که امکان دارد گسترش و سازمان داد. تا جایی که امکان دارد باید خواسته های واحد به وجود آورد. اگر دانشگاهی در رابطه معین و مهمی اعتراض می کند سایر دانشگاه های دیگر نیز باید به حمایت و پشتیبانی گسترده از آن دست بزنند.

اما لازمه همه این کارها در درجه اول وجود شبکه وسیعی از فعالین و دست اندرکاران و رهبران چپ دانشجویی است که باید در صحنه این اعتراضات حضور داشته باشند. رهبران و فعالینی که با هم ارتباط داشته باشند، گپ بزنند، طرح و نقشه بکشند و تصمیم بگیرند سر چی اعتراض کنند، از چه خواسته هایی حمایت کنند، اعتراضات دانشگاه ها را به هم بیافند و ... این شبکه فی الحال موجود است ولی به نظر می رسد که همچنین رابطه نزدیک و تنگاتنگی با هم ندارند. ترم آینده باید ترم به هم تنیده شدن فعالین عرصه های مبارزات دانشجویی باشد. مهمترین قدم در این راه این است که دست در دست سازمان جوانان حکمتیست بگذارند. این سازمان ظرفی برای گسترش همکاری و هماهنگی فعالین و رهبران اعتراضات دانشجویی در سطح کل کشور است.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

۱ →

کارگری بود. در نتیجه این اعتصابات فلج کننده بخشی از کارگران کارخانه های مختلف یکی پس از دیگری به ۸ ساعت کار روزانه دست یافتند. سرمایه داران که به وحشت افتاده بودند در صدد مقابله با جنبش کارگری بر آمدند و سرانجام در یکی از کارخانه های شیکاگو که کارگران به ۸ ساعت کار روزانه و افزایش دستمزدها و توقف قطع دستمزدها رسیده بودند حمله کرده و ابتدا حدود ۱۵۰۰ کارگر را از کارخانه اخراج کردند. در سوم ماه مه در همان کارخانه پلیس به همراه ۳۰۰ تن از اعتصاب شکنان به کارگران حمله کرد. وقتی کارگران با دست خالی به اعتراض پرداختند پلیس به رویشان آتش گشود که در اثر آن عده ای کشته و زخمی شدند. روز ۴ مه کارگران راهپیمایی اعتراضی عظیمی علیه اعمال پلیس و برای تحقق خواستههایشان به راه انداختند. در این روز یکی از مزدوران سرمایه داران بمبی را به میان جمعیت انداخت که در نتیجه چند پلیس و ۴ کارگر کشته شدند. پلیس این مسئله را بهانه قرار داده و با به گلوله بستن کارگران تظاهرات را به خون کشاند. ۸۰ کارگر کشته و ۱۵۰ نفر زخمی و تعدادی نیز دستگیر شدند. "فویر انگل" کارگر چاپخانه در دادگاه فرمایشی گفت: "ما کارگران جمع شدید و خواستیم یک اتحاد حقیقی تشکیل دهیم تا شاید یک چندم حقم را بازپس بگیریم اما حالا سر از دادگاه و زندان در آوردیم. آیا این است معنی عدالت و انصاف جامعه ما؟ کارگران اینک دریافته اند که با اتحاد و همبستگی و مبارزه دستجمعی میتوانند بر مشکلات پیروز شوند. کارگران دریافته اند که در اتحادشان چه قدرت بورگی وجود دارد. برای همین است که کارفرماها سعی میکنند اتحاد کارگران را به هم بزنند و راهپیمایی شان را به خون بکشند." "اشپیتس" کارگر کارخانه برق نیز در دادگاه گفت: "اگر شما تصور میکنید که با جلوگیری از راهپیمایی کارگران، ندادن حق و حقوق آنان و کشتن رهبران کارگران میتوانید جنبش کارگران که میلیونها نفر از مردم زحمتکش، فقیر و نیازمند و ستمدیده نجات خود را در آن جنبش میبینند، از بین ببرید سخت در اشتباهید. شما فقط جرقه ای را با کشتن ما خاموش میکنید اما پشت سرتان شعله ها از همه جا زبانه خواهند کشید. این شعله ها هم اکنون از میان مردم زبانه

میکشند و شما نیروی خاموش کردنش را ندارید." در نتیجه این مبارزات و اتحاد کارگری، طبقه کارگر در آمریکا به ۸ ساعت کار روزانه دست یافتند. در کنگره بین المللی کارگران (انترناسیونال دوم) در ۱۴ ژوئیه ۱۸۸۹ که در پاریس تشکیل شده بود نمایندگان کارگران آمریکا پیشنهاد کردند از طرف کنگره روز اول ماه مه هر سال به خاطر کشتار کارگران شیکاگو به نام روز کارگر در سراسر جهان اعلام گردد. و در این روز کارگران تمام دنیا در هر کجا که هستند مراسم و میتینگ تشکیل دهند و خواستههای کارگران را مطرح سازند و در اجتماعات و راهپیماییها اتحاد خود را محکمتر کنند و صفوف خود را گسترش دهند. برای پیشرفتهای سال گذشته طبقه کارگر شادی کنند و جشن بگیرند و برای هدفهای آینده خود برنامه ریزی کنند. خلاصه هر سال نمایشی از اتحاد و قدرت کارگران سراسر جهان نشان داده شود. از آن زمان تا کنون طبقه کارگر در جهان اول ماه مه را به اشکال مختلف جشن گرفته و در حین نشان دادن اتحاد و اعلام همبستگی طبقاتی خود برای نبردهای بزرگ آینده آماده میشوند تا به قول "پارسونز" یکی از رهبران کارگران در ماه مه ۱۸۸۶ سرانجام سرمایه داران این موشها، به زباله دانی تاریخ ریخته شوند.

فواد عبداللہی: بیشک سال گذشته برای طبقه کارگر در ایران سال پر از درد و رنج و محنت بود. از کشتار کارگران اعتصابی خاتون آباد توسط رژیم اسلامی گرفته تا اعتراض کارگران نساجی سندانج برای لغو قراردادهای موقت همه و همه انعکاسی از فشار و توحش افسار گسیخته سیستم سرمایه بر کرده کارگر را به نمایش گذاشت. با توجه به این آیا اول مه امسال کمک میکند تا جلو تعرض رژیم گرفته شود و مطالباتی به او تحمیل گردد؟

مظفر محمدی: بدون شک و قبل از هر چیز اول مه امسال روز یک کيفر خواست طبقه کارگر بر علیه رژیم اسلامی است. در این روز دولت و کارفرماها به خاطر تحمیل فقر و فلاکت سرسام آور و تعرض به سطح معیشت کارگران و تنزل آن تا فرسنگها زیر خط فقر و تحمیل گرسنگی محض و ممنوع کردن اعتصاب و مبارزه کارگر تا حد به گلوله بستنشان درخاتون آباد... باید محکوم گردند. اما اول مه به خودی خود آغاز یا پایان چیزی نیست.

این روزی در ادامه روزها و ماه و هفته های قبل است و به همین ترتیب تداوم دارد. اول مه امسال یک روز در ادامه اعتصابات و مبارزات کارگری سال گذشته برای دفاع از سطح معیشت کارگر است. برای سد کردن تعرض به سطح معیشت و لغو قراردادهای موقت است. و برای افزایش دستمزدها و بهبود بخشیدن زندگی طبقه کارگر و خانواده های کارگری است. علاوه بر این باز این یک روز در ادامه مبارزه همه مردم برای آزادی و حرمت انسانی و کنار زدن دخالت مذهب و ارتجاع و کوتاه کردن دست آن از زندگی مردم است. ویژگی این روز در این است که طبقه کارگر یکجا و یکپارچه ابراز وجود کند و در اجتماعات و میتینگها و تظاهرات و مراسم خود اعلام کند که سرمایه داری یک سیستم بردگی مزدی و روشی به غایت ضد انسانی است و محکوم است. طبقه کارگر خواستار جامعه ای آزاد و برابر و خوشبخت برای همه است. تنها با حذف استثمار انسان جامعه بشری از همه مصیبتهای سرمایه داری و سیستم سیاسی و پلیسی آن رها میشود. اگر این اتفاق بیفتد بطور قطع در سرنوشت مبارزات سال آینده طبقه کارگر تاثیر بسزایی خواهد داشت. اگر این ابراز وجود اجتماعی و قدرت نمایی انجام گیرد ما شاهد کارگران متحدتر و با اعتماد بنفس تر و قدرتمند تر در میدان مبارزه با کارفرماها و دولت حامیشان خواهیم بود.

فواد عبداللہی: طبقه کارگر در اول ماه مه امسال باید بر چه خواسته هایی پافشاری کند؟ مطالبات و شعارهای کلیدی باید چه باشند؟

مظفر محمدی: مطالبات کارگران روشن است. فکر نکنم کسی منتظر طرح مطالبه ویژه ای باشد که مثلا یک هفته و یک ماه قبل کارگران آن را مطرح نکرده و نخواسته باشند. اما تفاوت این روز در این است که این بار و به بخاطر اول مه کارگران به مثابه یک طبقه ابراز وجود میکنند و به میدان میآید و به جامعه سرمایه داری و کل سیستم ستم و تبعیض و نابرابریش "نه" میگوید. این اولین و اساسی ترین مطالبه طبقه کارگر و اعلام به جامعه است. مسلما در این روز کارگران خواستههای مهم خود را یا برنامه خود برای سال آتی را نیز مطرح میکنند. این خواستها کمکان از یک قانون کار کارگری که آزادی تشکل و اعتصاب را برسمیت میشناسد تا لغو قراردادهای موقت کار و افزایش دستمزد تا حد تامین رفاه یک خانواده ۵ نفری کارگر و متناسب با تورم و گرانیها و از این قبیل خواهد بود. کارگران خواهان آزادی و احترام به حقوق فردی و اجتماعی خود و کلیه شهروندان خواهند بود و هر گونه زیر پا نهادن این آزادیها و حقوق اجتماعی را به هر بهانه ای محکوم میکنند.

فواد عبداللہی: شاخصهای موفقیت تبدیل کردن اول مه امسال به روز ادعانامه کارگری علیه سرمایه داری و علیه بیحقوقی کارگر در چه چیزهایی است؟ با نزدیک شدن اول مه فراخوان شما به کارگران و بخصوص فعالین کارگری چیست؟

مظفر محمدی: یک شاخص موفقیت اول مه حضور هر چه بیشتر کارگران و خانواده های کارگری و جوانانی که بخش عظیمشان کارگر و یا بیکارند، در اجتماعات و مراسمها و میتینگها و تظاهراتها و نشان دادن قدرت طبقاتی است. این ابراز وجود عظیم طبقاتی و اجتماعی البته با موانعی روبرو است. اختناق و مانع دولت و پلیس یکی از این موانع است که به نظر من تعیین کننده نیست. یا اینکه کارگران تشکل مستقل خود را ندارند و خود یک مانع جدی است... اما برای مثال زمانی که کارگران آمریکا بیش از ۱۵۰ سال پیش به میدان میآیند هم با اختناق و انواع دسیسه های کارفرماها و دولت روبرو هستند و هم هنوز فاقد تشکل هستند. چیزی که سرنوشت این قدرت نمایی طبقاتی را در روز کارگر در شرایط معین ما تعیین میکند، حضور و وجود طیفی از فعالین و رهبران کارگری در جلو صفوف کارگران است. طبقه کارگر رهبران و فعالینی چون "فیشر، پارسونز، شپیتس و فویر انگل" میخواهد و این فعالین هم اکنون وجود دارند. تعیین یک خط و برنامه روشن کمک میکند که این رهبران بتوانند منشا یک تحرک عظیم اجتماعی و طبقاتی در روزی چون اول مه شوند. بعلاوه همین کار و تلاشها میتواند باعث شود که خود فعالین و رهبران کارگری با هم متحد و همراه شده و شبکه وسیع و سراسری و همبسته بوجود آید. شبکه بهم پیوسته رهبران کارگری که دستشان را بهم میدهند و پیگیری خواستهها و مطالبات اول مه کارگران را بر عهده میگیرند. رهبرانی که کارگران را برای تحقق این خواستهها به مبارزه ای سراسری و بی امان میکشانند و متحد و متشکلشان میکنند.

آخوند زن هم به داد تان نمیرسد!



فرزاد نازاری

به نقل از بی بی سی (اخیرا) در روز ۱۸ مارس در یکی از ساختمانهای کلیسای یوحنا مقدس در شهر نیویورک نماز جماعت مختلط با امامت خانم امینه ودود استادیار مطالعات اسلامی در دانشگاه ویرجینیا، باحضور یکصد زن و مرد اجرا شد. و یک روز بعد از این واقعه به گزارش همین منبع در شهر آمستردام مسجدی هم به عنوان "مسجدویژه زنان" افتتاح شد. آیا اسلام زنانه شده دردی را از درد زنان، که قربانیان اصلی این مذهب هستند دوا می کند؟ آیا اگر به جای خامنه ای و فلان امام جمعه مرد در مسجدی در مصر و هر جای دیگری خانم امینه ودود و یا کسی مثل الهه کولایی بنشینند و نقش همان روحانی مرد را بازی کند تغییری در اساس آیه های قرآن و شرع و دیگر موازین ارتجاعی و ضد زن اسلام داده میشود؟ مسلما خیر. مذهب همواره ابزار بسیار موثر در تحمیل وجدایی بین انسانهای زحمتکش برای تسهیل استثمار آنها توسط بورژوازی بوده است. مذهب بواسطه اینکه انسان را از هویت اصلی که همان هویت اجتماعی - انسانی است تهی می کند و او را مخلوق و معبود و مطیع قادری مطلق می داند که خوبی و بدی را او تشخیص میدهد و معیارهای وی برای جزا و پاداش است که هویت انسان را تعیین میکند. این تعبیر و از خود بیگانه کردن انسان بوسیله مذهب است که باعث می شود بورژوازی با دست و دلی باز از اضمحلالش جلوگیری کند و هر

روز آن را باز تولید کند. اسلام زنانه و فیمینیزم اسلامی هم از این جا سرچشمه میگیرد. این بساط (فیمینیزم اسلامی) تنها نقدش این است که اگر بجای مثلا هاشمی رفسنجانی، فایزه رفسنجانی امام جمعه شود دیگر مشکل بیحقوقی زنان در اسلام حل شده است. به سخنان اسراءالنعمانی نویسنده و یکی از ترتیب دهندگان این نمازجمعه توجه کنید: "زمان اعاده حقوق زن در جهان اسلام فرا رسیده است، چرا که زنان نیز میتوانند نقش رهبران روحانی را بازی کنند." و از مردم میخواهند که به آنها هم مدال بدهند! اگر چه این اعمال هم از جانب مذهب قابل پذیرش نیست و مذهب پدیده ای مردانه است (خدا مذکر است و هیچ کاری هم نمی توان برایش کرد) قل هو الله صمد نه قل هی الله صمد. آیا خانم امینه ودود قادر است که بی حجاب نماز جماعتش را اجرا کند. تازه اگر این اتفاق هم بیفتد باز هم هیچ تغییری در ضد زن بودن مذهب و بخصوص اسلام نمیدهد.

اگر چه حتی این هم برای اسلام قابل تحمل نیست (ناگفته نماند که همه مذاهب تک خدایی برخوردارشان به زن همین طور است. کاردینال شدن یک زن هم در مسیحیت کفر است). آیت الله میلانی در این زمینه می گوید که اسلام پیش نماز شدن زنان را برای زنان جایز شمرده است و اگر مردی پشت سر پیشنماز زن نماز جماعت بگذارد نماز او باطل است. اسلام جایز ندانسته که زن امام جمعه شود و کدیور به اصطلاح روشنفکر دینی معتقد است که اسلام بر سر راه امام جمعه شدن زنان مانعی ایجاد نکرده است بشرطی که در زمان خطبه خواندن به گونه ای متعارف سخن بگویند و حدود را رعایت نکنند. رعایت این حدود دقیقا همان کاری است که خانمهایی از قبیل امینه ودود و اسراءالنعمانی و دیگران تلاش دارند که انجام دهند. ولی تمامی

این تلاشها هیچ ربطی به حقوق زن ندارد، مشکل بیحقوقی مفرط زن در اسلام و دیگر ادیان یکتاپرست این نیست که نمیتواند جایگاه روحانیت را اشغال کند بلکه مذکر بودن خدای یگانه است که اجازه ورود جنس غیر مذکر را به حریم اولوهیت خود نمیدهد و حتی اگر این اجازه را هم با وساطت اشخاصی از قبیل کدیورها و دیگر روشنفکران مذهبی در فامیل بی بی سی بدهد باید در قالبی بروند که همان قالب مردانه آخوندی است (دیگر خودتان آخوندهای زنی که در مدار فیمینیزم اسلامی در ایران مچرخند را تصور کنید). کدام یک از خواسته های انسانی زنان در شمایل و اعتقادات و دل مشغولیا و فعالیتهای سیاسی- اجتماعی روزانه شان جلوه گر است؟ برای کبری رحمانپورها و فادیمه ها و هزاران هزار زنی که هر روزه قربانی سبعت مذهب و بویژه مذهب اسلام میشوند، چه فرقی می کند که امام جمعه اش خانم ودود است، یا فردا شیرین عبادی و یا زرقاوی؟ خانه از پایبست گندیده و متعفن است با این تلاشها برایتان گند زدایی نمیشود.

ناگفته نماند این اتفاقات و این رشادتها که از جانب فمینیستهای اسلامی برای اعاده حقوق زن تلقی می شود و از جانب رسانه های محترمی! مانند بی بی سی هم به اندازه کافی باد زده میشوند همه در ماه مارس سازمان دهی شده است. امام جمعه شدن زنی در آمریکا و افتتاح مساجد ویژه زنان در هلند جواب دلسوزان دین ضد زن اسلام به انتقادات و افشاکاری ها و رو کردن چهره ضد زن اسلام توسط فعالین حقوق زن و آزادی بیان و سکولاریسم است. و در مقابل امثال "تئو وانگوکها و هیرسی علی" ها قرار میگیرد. در مقابل صف آزادی خواهی و برابری طلبی و جنبش رهایی بخش زنان و انسان قرار می

گیرد. دول غربی هم نه تنها ترجیح می دهند که زنان مهاجر در جامعه و جنبشهای مترقی، در غرب ادغام نشوند بلکه در این رابطه سرمایه گذاری هم می کند تا این طیف از انسانهای جامعه را با همان هویت و جهالت مذهبی حفظ کند و بتواند راحت در راستای منافع سیاسی- اقتصادی خود بکار گیرند.

برای اینها مهم نیست چه مذهبی است و آیا این مذهب زنانه است و یا مردانه، اسلامی است و یا دالامایی، مهم این است که مذهب است و انسانها را از خود بیگانه می کند و آل برای استثمارگر است، بخصوص اگر از نوع تسلیم شده و توسری خور اسلامی اش باشد و برای این امر شریف هم بر دوش استثمار طبقه کارگر در اروپا و با همراهی کمک مالی ممالک اسلامی صدها و هزاران مسجد و مدرسه و مراکز اسلامی ساخته اند و هر روز هم برای بیشتر کردنشان میکوشند. به عنوان مثال فقط در کشور کوچک هلند نزدیک به ۱۵۰۰ مسجد و مدرسه و مراکز به اصطلاح فرهنگی اسلامی وجود دارد که همگی مشغول فعالیتها ضد زن و ضد آزادی بیان و حقوق انسان هستند و محصول مستقیم این سیاستها و تولید این نوع مراکز خودش را در قتل امثال وانگوکها و فادیمه ها و بدبخت کردن زن در مجتمع های اسلام زده نشان می دهد بصورتی که در هلند در این پناه، اسلام سیاسی رشد چشمگیری کرده است هر روز به عده زنان محجبه در زیر زور مرتجعین اسلامی و حمایت و مماشات دولتی از قبیل دولت هلند از حرکتهای اسلامی افزوده می شود.

دولت وقتی می تواند به حقوق زن متعهد شود که دست مذهب را از زندگی فردی و اجتماعی نه تنها زنان بلکه همه انسانها کوتاه کند. آخوند زن هم در نهایت میتواند نقشی مانند تاجر و آلبرایت و کوندالیزاریت را داشته باشد که به لطف سیاستهایشان، کم، زن و مرد و کارگر و انسان زحمت کش بدبخت و خانه خراب نشده اند.



تلویزیون پرتو برنامه ای از حزب حکمتیست

برنامه های پرتو روزهای
چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰
شب به وقت تهران (۵ تا ۶
بعد از ظهر به وقت اروپای
مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به
وقت امریکای غربی) از شبکه
کانال یک پخش میشود.
این برنامه پنجشنبه ها
ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح
تهران مجددا پخش میشود.

مدیر مسئول: آذر مدرسی

برنامه پرتو روی سایت آن نیز
قابل مشاهده است:
www.hekmatist.com/parto

رادیو پرتو

(تغییر ساعات پخش)

به دنبال تغییر ساعات در ایران،

از روز اول فروردین ماه

هر شب از ساعت ۸ به وقت تهران

SW: 49 m - 5810 KHz

www.radiopartow.com

Tel: 0046 707 399868

از این سایت ها دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktoobr.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۳۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۳۳۶۱۳

سر دبیر: فواد عبدالهی
foadsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۲۴۵

معاون دبیر:
جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹